

## نظری بر احوال و آثار ملا محمد امین مستغنی

دکتر شییر احمد وانی  
استاد موقتی شعبه فارسی،  
دانشگاه کشمیر  
[shabimu@gmail.com](mailto:shabimu@gmail.com)

### چکیده:

ملا محمد امین مستغنی یکی از شاعران چیره دست و خبره کشمیر بود. اشعارش نشان می دهند که او از مضایق و دقایق شعر کاملاً واقف بود اما مقام تاسف است که درباره زندگی و آثارش اطلاعات زیادی دستیاب نیست. تذکره نویسان و مورخان فقط بر ابیات چند اکتفا کرده اند و اغلب تذکره نویسان اطلاعات دیگران تکرار کرده اند. در این مقاله سعی شده است که در مورد احوال و آثار ملا محمد امین مستغنی نکات مهمی ارائه شوند تا مردمان سخن شناس از جایگاه شعری وی آشنا شوند.

واژه های کلیدی: ملا محمد امین، چیره دست، کشمیر، تذکره نویسان سخن شناس، جایگاه موضوع اصلی:

در مورد نام و احوال زندگی ملا محمد امین مستغنی، بین وقایع نگاران و مورخان مختلف، اختلاف نظر وجود دارد. به گفته مؤلف تاریخ اعظمی محل تولد او کشمیر است. مؤلف تاریخ نظم و نثر زادگاه او را لاهور دانسته است. تاریخ تولدش هم در هیچ جا ذکر نشده است. در تاریخ اعظمی آمده است که:

”درعهد یوسف شاه پایه اعتبارش بسیار افزود. مدتی در

لاهور بسربرد، تعلق باشعرا ی اکبری پذیرفت.“<sup>۱</sup>

زمانی که یوسف شاه بر ابدال بت پیروز شد، محمد امین مستغنی بازگشتن یوسف شاه چک به شهر را از دیوان حافظ از این بیت پیش بینی کرد.

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور<sup>۲</sup>

عرفات العاشقین و مجمع النفایس اورا از شاعران دورهٔ جهانگیری دانسته اند. در تذکره‌ها آمده است که او بیشتر اوقات خود را در لاهور گذرانیده است. تقی الدین اوحدی مؤلف عرفات العاشقین با وی در منداوه ملاقات کرد و گفت:

”در هزار و بیست و شش اورا در منداوه دیدم.“<sup>۳</sup>

مؤلف تذکره صبح صادق نیز مدعی است که ملا محمد مستغنی را در جونپور دیده است. به گفته گل رعنا، وی در لاهور زندگی می‌کرد و مورد احترام بزرگان بود. وی در سال ۱۰۳۴ هـ / ۱۶۲۴ م در سن هفتاد سالگی درگذشت. اگر تاریخ ولادتش را ۱۰۴۳ هـ است و تسلیم می‌کنیم که در سن هفتاد سالگی درگذشت. پس سال تولد او ۹۵۴ هجری قمری / ۱۵۴۷ م باشد. با توجه به همه این گفته‌ها بعید نیست که مستغنی دوره هائی یوسف شاه، اکبر و جهانگیر دیده باشد. واقعات کشمیر اگرچه هیچ نشانه‌ای از سن وی نیافته است، اما به وضوح نوشته شده است که مستغنی در خارج از آرامگاه سید جلال الدین در محله اروت به خاک سپرده شده است.

پدر مستغنی ملا میرعلی صیرفی بود. میرعلی صیرفی از معاصران شیخ یعقوب صیرفی بود. در این ضمن به این عبارت گل رعنا مراجعه کنید:

”نامش ملاعلی معاصر صیرفی سرآمده افاضل آن دیار

بود و صیرفی نقود بازار افکار او، سکه سخن می‌زند.“<sup>۴</sup>

تقریباً همه تذکره‌نویسان از توانایی شعری ملا محمد امین مستغنی استقبال می‌کنند، اما متأسفانه از بقایای او فقط چند غزل و چند رباعی یافت می‌شود اگرچه از آنها می‌توان استعداد شعری او را تخمین زد، اما نمی‌توان به طور کامل تحلیل کرد.

مؤلف هفت اقلیم از علم و فضل مستغنی نوشته است.

”بو فور ذهن سلیم و طبع مستقیم قرار داد بی ارباب

اعتبار، و بکثرت فهم و زیادتی علم، مرجع و مآب آن

دیار کشمیر است.“<sup>۵</sup>

مؤلف مجمع النفايس او را از شاعران عصر جهانگير و معاصران تقی الدین اوحدی دانسته است. دليل اين امر اين است که مستغنی نزديک به ۲۰ سال در زمان جهانگيرزندگی بسربرد. خان آرزو می نویسد:

”از شعرائی عصر جهانگير پادشاه بود به تقی عهدی معاصر“ ۶  
خود تقی اوحدی او را آنها چنین یاد کرده است.

”فاضل دانای سخن فهم عالی فطرت مستغنی،  
مولانا محمد امین مستغنی از جمله فضیله این زمانه و  
فصحای این عصر است و از کشمیر است. از سرکار  
جهانگير شاه وظیفه دارد و در لاهور می باشد. با اظهري  
خویش است. به غایت مردمتین مبارک روی نیکوی  
است. ده پسر داردهمه رشید.“ ۷

تقی الدین از ش بیست (۲۰) اشعار نقل کرده است. برخی از این ابیات اینجا  
نقل می شود که شاید در هیچ تذکره یا تاریخ ذکر نشده است.

کل منشا آن نشأه شد که باده آن  
شاداب هوای او بود آتش گل  
یک نکهت آن صد آسمان را امواج  
یک قطری آن هزار دریا را پل  
دردی که یافت دل به جنون است آشنا  
آبی که ریخت دیده به خون است آشنا  
بر ما مخند، گریه بنیاد چشم تو  
فریاد مابه درد درون است آشنا  
برداشتیم دیدبئی همت ز آرزو  
چون سعی ما به بخت زبون است آشنا  
مستغنی آرزوی خود اظهار کرد در رفت  
طرز کلام او به فسون است آشنا  
مستغنی از فلک چه می زاید، هیچ  
زین گو، گره کارچه بکشاید، هیچ

دیدم به دعا که دست برمی داری  
از نام خودت شرم نمی آید هیچ؟  
هنوز از عشوبی تو در تن صد آرزو روح است  
هنوز از غمزی تو سینهی صد تو به مجروح است  
فرو رفتی تو از بار وجود خویشتن، ورنه  
کد امین خاروخس بر روی این دیار کم از نوح است<sup>۸</sup>

مؤلف گل رعنا از این کلمات به فضل و کمال او اعتراف کرده است:  
"بو فور فضائل و کمالات اتصاف داشت و پیش امرای  
عهد محترم می زیست. او نسیم سخن را عنبر بیز می  
سازد."<sup>۹</sup>

او اشعار زیر از مستغنی نیز نقل کرده است که در جایی ذکر نشده است:

ماوتو در روز حشر دست و گریبان رویم  
تو ز پی دست من و من ز پی خوینها  
با پریشانی خاطر به همین دل جمع  
کز پریشانی ما، هیچ دلی درهم نیست<sup>۱۰</sup>  
صاحب و افعات کشمیر درباره ملا مستغنی نوشته است که یوسف او را گرامی  
داشت و بعد از استیلای مغول با دربار اکبری پیوست. او هم برخی از اشعارش در  
تاریخ خود ثبت کرده است. ملاحظه فرمائید  
"بوفور ذهن سلیم و طبع مستقیم، در عهد یوسف شاه

من خنده نیم بطبع عاشق ناساز  
یا گریه که، بر روی روم چون غماز  
یاناله که سرگوش بیگانه نهم  
من درد دلم خلوتی محرم راز<sup>۱۲</sup>  
پایه اعتبارش بسیار افزود. مدتی در لاهور بسربرد، تعلق  
باشعرای اکبری پذیرفت. باوصف تحملی به زیور فضل  
و کمال به فکر شعر هم اشتغال داشت."

ای سینه، ز وسواس توام مارستان  
 رگهای وجودم ز تو زنارستان  
 عیسی کده از چشم تو بیمارستان  
 ناز تو بکائنات درکارستان ۱۱

تعداد اشعار ملا محمد امین مستغنی خیلی زیاد بوده باشد اما اکنون فقط انگشت شمار در دسترس ماست. دقیقاً بیش از سی بیت از شعر ازش باقی نمانده است. از اشعارش پیدا است که او "مستغنی" تخلص اختیار نموده است. اشعار غزلیات و رباعیات او شامد پختگی اوست: مشاهده کنید که چطور او در اشعار زیر وصف کشمیر را در شعر آورده است.

دو شینه بچشم دل، نهان از مردم  
 دیدم نه بهشت بلکه کشمیر دوم  
 خاکی ز عبیر و مشک آگنده خمیر  
 آبی ز صفا وجود خود یافته گم ۱۳

خلاصه:

خلاصه کام این که ملا محمد امین مستغنی یکی از شاعران با استعداد و کمال بود ولی کلامش از دستبرد زمانه مفقود شده است. او در کشمیر مرجع و مرکز علم برای طالبان علم بود. از اشعار متذکر بالا پیدا است که او در شعر و شاعری مهارت کلی داشت. او نه فقط شاعر بود بلکه حامل علوم مختلفه بود و در جامعه و بین امرای عهد با کمال محترمانه می زیست.

### منابع و مآخذ

- ۱- دیده مری، محمد اعظم: تاریخ اعظمی موسوم به واقعات کشمیر (قلعی)، کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، شماره اندراج ۶۱۵۷، ورق ۱۲۸/ب
- ۲- حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، چاپ: منشی نول کشور لکهنو ۱۳۰۱ هـ، ص ۱۹۱
- ۳- اوحدی، تقی الدین محمد؛ عرفات العاشقین و عرصات العارفين، ج ۶، بتصحيح ذبيح الله، مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ ش، ص ۴۱۰.

- ۴- شفیق، لچھی نارائن، گل رعنا بحوالہ تذکرہ شعرای کشمیر، اصلح میرزا، بتصحیح و حواشی سید حسام الدین رشدی، اقبال اکادمی پاکستان، لاہور، ۱۹۶۷، ص ۳۸۸
- ۵- رازی، امین احمد؛ ہفت اقلیم، ج دوم، بتصحیح و تعلیق جود فاضل، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادبیہ، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۱۳
- ۶- آرزو، سراج الدین علی خان؛ مجمع النفائس، جلد اول، بکوشش دکتربزب النساء علی خان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۲۰۰۴ ص ۳۸۸
- ۷- اوحدی، تقی الدین محمد؛ عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ج ۶، بتصحیح ذبیح اللہ، مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری کتابخانہ موزہ و مرکز اسناد مجلس شورئ اسلامی، ۱۳۸۹ ش، ص ۴۱۰
- ۸- ایضاً، ص ۱۱-۴۱۰
- ۹- شفیق، لچھی نارائن، گل رعنا بحوالہ تذکرہ شعرای کشمیر، اصلح میرزا، بتصحیح و حواشی سید حسام الدین رشدی، اقبال اکادمی پاکستان، لاہور، ۱۹۶۷، ص ۳۸۸
- ۱۰- ایضاً۔
- ۱۱- دیدہ مری، محمد اعظم: تاریخ اعظمی موسوم بہ واقعات کشمیر (قلمی)، کتابخانہ علامہ اقبال دانشگاه کشمیر، شماره اندراج ۶۱۵۷، ورق ۱۲۸/ب
- ۱۲- ایضاً
- ۱۳- ایضاً